





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی انقلاب اسلامی

عنوان:

چگونگی بر ساخته شدن هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح طلبی

استاد راهنما:

دکتر محمدسالار کسرائی

استاد مشاور:

دکتر عیسی ولایی

پژوهشگر:

مرضیه صمصامی

ماه/ سال تحصیلی: بهمن ۱۳۹۲

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به پژوهشکده می باشد. چاپ پایان نامه و استخراج مقاله

از پایان نامه باید به نام پژوهشکده ، با تأیید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی باشد

شماره: ۵۲۳۱۶۳۴۴
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۷
پیوست:



پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

با سمه تعالی

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (س) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

خانم مرضیه صمصامی دانشجوی رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

تحت عنوان: «چگونگی بر ساخته شدن هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح طلبی»

در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۸ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (س) برگزار گردید و به موجب آیین نامه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

قبول با درجه بسیار خوب امتیاز: ۱۸,۵
 دفاع مجدد
 مردود
 قبول مشروط با درجه: (با اصلاح) امتیاز: مرجع تأیید نهایی:

شرح اصلاحات مورد نیاز:

-۱

-۲

توضیح: بنا به مصوبه کمیسیون تخصصی آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه‌ها به شرح زیر مشخص میگردد:

الف) قابل قبول از	۱۴ به بالا	۱۹-۲۰	۱۶-۱۷/۹۹
۱- قبول با درجه عالی	۱۹-۲۰	۳- قبول با درجه خوب	۱۶-۱۷/۹۹
۲- قبول با درجه بسیار خوب	۱۸-۱۸/۹۹	۴- قابل قبول	۱۴-۱۵/۹۹
ب) مردود	کمتر از ۱۴		

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما:	جناب آقای دکتر محمد سالار کسرائی	دانشیار	
۲- استاد مشاور:	جناب آقای دکتر عیسی ولایی	استادیار	
۳- استاد داور:	جناب آقای دکتر علی محمد حاضری	استادیار	
۴- استاد داور:	حضرت حجت الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی	استادیار	

امضاء
مدیریت تحصیلات تکمیلی

امضاء
نماینده تحصیلات تکمیلی

امضاء
مدیر گروه

تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه شهدای ژاندارمری، تلفن: ۳ - ۶۹۵۵۷۳۱ - ۶۴۹۹۱۹۰ - ۶۴۹۱۰۳۰
آدرس پست الکترونیک: info@ri-khomeini-org کد پستی: ۱۳۱۴۷۴۱۱۸۹
آدرس سایت اینترنتی: www.ri.khomeini.org

چکیده

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: جامعه شناسی انقلاب اسلامی
عنوان پایان نامه: چگونگی برساخته شدن هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح طلبی
نام و نام خانوادگی دانشجو: مرضیه صمصامی
استاد راهنما: دکتر محمد سالار کسرائی
استاد مشاور: دکتر عیسی ولایی
تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶
تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۲/۱۱/۱
<p>موضوع این پژوهش «چگونگی برساخته شدن هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح طلبی» است و تلاش می‌کند با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نشان دهد چگونه هویت اجتماعی زن به عنوان یک امر اجتماعی در کردار گفتمانی اصلاح طلبی برساخته می‌شود. بنابراین زن به عنوان یک نوع مثالی و نه یک یا چند زن خاص در نظر گرفته شد و در پی پاسخ به این سوال که هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح طلبی چگونه برساخته می‌شده است؟ با چارچوب نظری تحلیل گفتمان و با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف با توصیف، تفسیر و تبیین متون دو نفر از تولیدکنندگان گفتمان زن (صانعی و بجنوردی) در این کردار گفتمانی به این نتیجه رسیدیم که متون تولیدکنندگان گفتمان زن در ذیل گفتمان اصلاح طلبی جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است و از لحاظ ایدئولوژیک توسط روابط و منازعات قدرت گفتمان اصلاح طلبی در تقابل با گفتمان های رقیب در میدان نظم گفتمانی انقلاب اسلامی متعین شده اند و در عین حال با تفسیر متفاوت نقش های زن از لحاظ ایدئولوژیک هویت جدیدی را متناسب با روابط قدرت برای او تعیین می‌کنند که باعث تقویت گفتمان و پایگاهش در میان دیگر گفتمان ها در منازعات قدرت می‌شود.</p> <p>کلید واژه : برساخته شدن، هویت اجتماعی، گفتمان اصلاح طلبی، زن، گفتمان انتقادی</p>

مراجعة

معهد الامام الخميني و الثورة الاسلاميه للدراسات

المرحلة الدراسي: ماجستير
الفرع الدراسي: علم الاجتماع للثورة الاسلاميه
عنوان رساله: كيفيه بناء الهوية الاجتماعيه للمرأة في الخطاب الاصلاحى
اسم و شهره الطالبه: المرضيه الصمصامى
الاستاذ المرشد: الدكتور محمد سالار الكسرايى
الاستاذ المستشار: الدكتور عيسى الولاىى
تاريخ بدء رساله: ١٣٩١/١٢/١٦
تاريخ ختمها: ١٣٩٢/١١/١
موضوع هذا التحقيق كيفيه بناء الهوية الاجتماعيه للمرأة في الخطاب الاصلاحى و يحاول بتحليل الخطاب النقدى أن يبين كيفيه بناء الهوية الاجتماعيه للمرأة في عمل الخطاب الاصلاحى. فنظرنا الى المرأة كمثال نوعى لا مرأه واحده أو عده خاصه من النساء و للاجابه عن هذا السؤال: كيف كانت الهوية الاجتماعيه للمرأة في الخطاب الاصلاحى؟ مع الإطار النظرى لتحليل الخطاب و تحليل الخطاب النقدى لفر كلاو و وصف و تفسير و تبين النصوص لاثنين من مولدى خطاب المرأه (صانعى و البجنوردى) فى هذا العمل الخطابى استنتجنا أن نصوص المولدين لخطاب المرأه ضمن الخطاب الاصلاحى يعدّ من عمليه النضال الاجتماعى فى علاقات القوه و عينه علاقات و منازعات القوه للخطاب الاصلاحى مقابلا للخطابات المنافسه فى مجال النظم الخطابى للثوره الاسلاميه و يبين هويه جديده ملائمه لعلاقات القوه للمرأة مع تفسير مختلف لوظائفها ايدتو لوژيا تقوى الخطاب و مكانه بين الخطابات الخرى فى منازعات القوه.

فهرست مطالب

فصل اول: مسأله پژوهش

- ۱-۱- مسأله پژوهش..... ۲
- ۲-۱- سؤال اصلی..... ۳
- ۳-۱- سئوالات فرعی..... ۳
- ۴-۱- ضرورت و اهمیت موضوع..... ۳
- ۵-۱- اهداف پژوهش..... ۴

فصل دوم: ادبیات پژوهش

- ۱-۲- ادبیات تجربی..... ۶
- ۱-۲-۲- پایان نامه..... ۶
- ۱-۱-۱-۲- چرخش معنایی مفهوم زنانگی در گفتمان انقلاب، سازندگی و اصلاحات..... ۶
- ۲-۱-۱-۲- بررسی تطبیقی واکنش اسلام گرایان سیاسی فقاهتی و نواندیشان دینی نسبت به حقوق زنان در ایران پس از انقلاب..... ۷
- ۳-۱-۱-۲- تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن در انقلاب اسلامی..... ۷
- ۴-۱-۱-۲- بررسی گفتمان‌های انقلاب اسلامی درباره‌ی زن در ایران پس از انقلاب اسلامی..... ۸
- ۵-۱-۱-۲- بررسی مقایسه‌ای گفتمان جنسیت در ایران از منظر نویسندگان قبل و پس از انقلاب (مطالعه موردی سیمین بهبانی و سیمین دانشور)..... ۸
- ۶-۱-۱-۲- توصیف برساخت زنانگی در تشکلهای زنان وابسته به جناح اصول-گرا..... ۹

- ۲-۱-۲- مقاله..... ۹
- ۲-۱-۲-۱- بررسی گفتمان امام خمینی (س) در مورد زنان..... ۹
- ۲-۱-۲-۲- زنان و حکومت دینی در ایران: بررسی پیامدهای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد جایگاه سیاسی- اجتماعی زنان در ایران..... ۱۰
- ۲-۱-۲-۳- فمینیسم در عرصه سیاست گفتمان..... ۱۰
- ۲-۱-۲-۴- ارزیابی ادبیات تجربی..... ۱۰
- ۲-۲- ادبیات نظری..... ۱۳
- ۲-۲-۱- درآمد..... ۱۳
- ۲-۲-۲- گفتمان..... ۱۴
- ۲-۲-۳- نظریه‌های گفتمان..... ۱۴
- ۲-۲-۴- نظریه‌های گفتمان و هویت..... ۱۹
- ۲-۲-۵- گفتمان انتقادی..... ۲۰
- ۲-۲-۵-۱- میشل فوکو..... ۲۴
- ۲-۲-۵-۲- تنون ای وان دایک..... ۲۸
- ۲-۲-۵-۳- نورمن فرکلاف..... ۳۰
- ۲-۲-۵-۴- کاربست نظری رویکرد فرکلاف..... ۳۷

فصل سوم: روش شناسی

۳-۱- تعریف مفاهیم..... ۴۱

۳-۱-۱- تعاریف نظری..... ۴۱

۳-۱-۲- تعاریف عملیاتی..... ۴۲

۳-۲- روش..... ۴۳

۳-۳- داده ها..... ۴۴

۳-۴- قلمرو تحقیق..... ۴۴

۳-۵- روش تحلیل داده ها..... ۴۴

فصل چهارم: بررسی داده های تجربی

۴-۱- درآمد..... ۴۸

۴-۲- یافته های پژوهش..... ۴۹

۴-۲-۱- بررسی توصیفی، تفسیر و تبیین متون یوسف صانعی..... ۵۱

۴-۲-۱-۱- کتاب قیمومت مادر..... ۵۱

۴-۲-۱-۲- کتاب برابری دیه..... ۵۹

۴-۲-۱-۳- کتاب برابری قصاص..... ۶۳

۴-۲-۱-۴- کتاب ارث زن از شوهر..... ۶۹

۴-۲-۱-۵- کتاب حقوق زنان و کودکان..... ۷۱

۴-۲-۲- بررسی توصیفی، تفسیر و تبیین متون سید محمد موسوی بجنوردی..... ۸۰

۸۱.....	۴-۲-۱- مقاله خشونت نسبت به زنان از منظر دین.....
۸۳.....	۲-۲-۲- مقاله اسلام خشونت نسبت به زن را نمی پذیرد.....
۸۴.....	۴-۲-۳- مقاله بلوغ دختران از منظر فقه اجتهادی.....
۸۶.....	۴-۲-۴- مقاله حقوق زن در اسلام.....
۸۷.....	۴-۲-۵- مقاله تعدد زوجات در اسلام.....
۹۲.....	۴-۲-۶- مقاله حقوق زن، فقه و واقعیت های امروز.....
۹۶.....	۴-۲-۷- مقاله قضاوت زن در فقه و حقوق اسلامی.....
۱۰۰.....	۴-۲-۸- مقاله اذن شوهر برای خروج زن از منزل، دیه زن و ضرورت اجرای کامل و قانون اساسی.....
۱۰۳.....	۴-۲-۹- مقاله اسلام و دامنه ی اقتصادی زنان.....
۱۰۴.....	۴-۲-۱۰- مقاله با تدوین مقررات لازم راه سوءاستفاده از حق طلاق را ببندیم.....
۱۰۶.....	۴-۲-۱۱- مقاله حق حضانت فرزند از نگاه قانون مدنی و فقه شیعه.....
۱۰۷.....	۴-۲-۱۲- مقاله ولایت جد پدری.....
۱۱۰.....	۴-۲-۱۳- مقاله کرامت زن از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام.....
۱۱۴.....	فصل پنجم: نتیجه گیری و جمع بندی.....
۱۲۰.....	فهرست منابع.....

فصل اول

مسأله پژوهش

۱-۱- مسأله پژوهش

انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده ای گفتمانی، یکی از اعجاب انگیزترین و مهم ترین پدیده های قرن بیستم می باشد و با ایجاد هویتی معناساز و معنابخش درصدد برآمد با بهره گیری از فرهنگ سیاسی اسلامی - شیعی به ترسیم زوایا و ابعاد " بودن در این جهان " پردازد. الگویی که با ارائه درکی نو اما ریشه دار از مذهب شیعه و با بهره گیری از نظام معنایی و اندیشگی بدیع توانست بر بحران هویت پیش از انقلاب غلبه کند و طی یک فرایند تاریخی به صورت الگوی غالب فعالیت سیاسی جلوه نموده و هویتی نوین و متمایز را بر پایه ی بنیان های ارزشی و آموزه های دینی شکل دهد (نظری، ۱۳۸۷: ۱۳). یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی ذی سهم بودن زنان است، که با بهره گیری از فرهنگ اسلامی سعی کرد کرامت انسانی زن را به او بازگرداند و با هویت اصلی و واقعی اش آشنا کند. زن ایرانی با ظهور انقلاب اسلامی تحول یافت و برای پیشبرد اهداف انقلاب در صحنه های سیاسی، اجتماعی بسیار فعال و سازنده قدم برداشت. نکته قابل توجه این است که تصویری که از هویت اجتماعی زن درگفتمان انقلاب اسلامی بر ساخته شد، در سال های نخست بعد از انقلاب تصور رایج در بین تمام گروه هایی بود که در انقلاب شرکت فعال داشتند. اما از دهه دوم انقلاب شاهد شکل گیری گفتمان هایی ذیل گفتمان انقلاب اسلامی هستیم که به مسئله زن و هویت اجتماعی آن توجه کردند و با قدرت گرفتن در عرصه سیاسی توانستند با استفاده از زبان اقتدار بر ساخته جدیدی از هویت اجتماعی زن را عرضه کنند. یکی از این گفتمان ها گفتمان اصلاح طلبی است که از سال ۱۳۷۶ با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری توانست زبان اقتدار را برای بر ساخته کردن هویت ها بدست بیاورد. به نظر می رسد این گفتمان زبان جدیدی را برای بر ساخته کردن هویت ها انتخاب کرده است و توانسته است تفسیر متفاوتی را در معنای هویت اجتماعی زن در گفتمان انقلاب اسلامی و دیگر گفتمان های ذیل آن مثل گفتمان اصول گرایی ارائه کند. این پژوهش قصد دارد بررسی کند، گفتمان اصلاح طلبی چگونه هویت اجتماعی زن را بر ساخته کرده و تفسیر متفاوتی با گفتمان های دیگر و از جمله گفتمان اصول گرایی در مورد هویت اجتماعی زن ارائه کرده است. از این رو، این پژوهش در پی آن است که بتواند تفسیر جدید به وجود آمده در این زمینه را بررسی کند و از این باب بتوانیم با شناسایی ساز و کارهای گفتمانی این کردار اجتماعی، نشان دهیم چگونه گفتمان اصلاح طلبی در میدان نظم گفتمانی توانسته است هویت

اجتماعی زن را با استفاده از کردارهای گفتمانی اش که در چارچوب روابط قدرت تعریف می شود، به عنوان یک کردار اجتماعی برساخته کند و از این راه معنایی متفاوت با معنای معمول هویت اجتماعی زن که در گفتمان انقلاب اسلامی و دیگر گفتمان های ذیل آن برساخته شده است ایجاد کند. این پژوهش بررسی می کند که چگونه هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح طلبی برساخته شده و تفسیر جدیدی را ارائه کرده است.

۱-۲- سؤال اصلی

هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح طلبی چگونه برساخته می شده است؟

۱-۳- سؤالات فرعی

تولیدکنندگان گفتمان زن در گفتمان اصلاح طلبی درباره چه سخن می گویند؟

تولیدکنندگان گفتمان زن در گفتمان اصلاح طلبی چگونه سخن می گویند؟

تولیدکنندگان گفتمان زن در گفتمان اصلاح طلبی چرا سخن می گویند؟

۱-۴- ضرورت و اهمیت موضوع

قشر زنان در ایران طی یک صد ساله اخیر بیش ترین تحولات را پشت سر گذاشته اند. تحولاتی که در نگرش و گفتمان های خاص هر دوره نسبت به زنان تأثیرات مهمی برجای گذاشته است. یکی از این تحولات در صد ساله اخیر وقوع انقلاب اسلامی و در پی آن شکل گیری گفتمان انقلاب اسلامی است که تأثیر زیادی بر معادلات سیاسی و اجتماعی زنان گذاشت. حوزه زنان و مسائل آن از ابتدای انقلاب یکی از پر منازعه ترین حوزه ها بوده است به طوری که انجام پژوهش های بسیار در این حوزه و در مورد مسائل موجود در آن را می طلبد. اهمیت و ضرورت پرداختن به مسائل حوزه زنان زمانی بیشتر می شود که شاهد تفاسیر متفاوت حول محور برساخته کردن هویت اجتماعی زن در گفتمان های ذیل گفتمان انقلاب اسلامی هستیم. برساخته جدید و متفاوتی که گفتمان اصلاح طلبی از هویت اجتماعی زن ارائه کرد باعث شد تا این تناقض به عنوان یکی از مسائل مهم حوزه زنان مورد توجه واقع شود و بررسی کنیم که این گفتمان چگونه و با استفاده از چه ابزاری این هویت را برساخته کرده است که معنایی متفاوت از برساخته هویت اجتماعی زن در گفتمان انقلاب اسلامی شده است.

۱-۵- اهداف پژوهش

در میان کردارهای اجتماعی موجود هویت اجتماعی زن از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که در هر جامعه ای تقریباً نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند و به همین دلیل از موضوعات چالش برانگیز دنیای امروز و به تبع آن در ایران است، هم چنین در انقلاب خود را صاحب سهم می دانند. علاوه بر این به دلیل فعالیت های جهانی زنان در جهت ارتقاء جایگاه خود در اجتماع، در ایران نیز مطالبات جدید در بین زنان شکل گرفت. از این رو توجه به این گروه و تلاش برای همراهی آن ها در هر کردار گفتمانی که تولید کنندگان آن به دنبال تقویت و حفظ پایگاه خود و گفتمان هستند مهم است. گفتمان اصلاح طلبی نیز طبق تعریف، گونه ای فرهنگ سیاسی است که برای کرامت انسانی زن تفسیری متفاوت از گفتمان های سنتی دارد و از این طریق سعی می کند توانمندی های سیاسی خود را در عرصه نظم گفتمانی انقلاب اسلامی تقویت کند. این پژوهش تلاش می کند برساخته شدن هویت اجتماعی زن به عنوان یک کردار اجتماعی را در منازعات و مناسبات قدرت گفتمان اصلاح طلبی توسط تولیدکنندگان متون این کردار گفتمانی در میدان نظم گفتمان انقلاب اسلامی نشان دهد. در حقیقت این پژوهش کمک می کند تا نقش زبان و قدرت در برساخته شدن هویت ها مشخص شود و الگویی گفتمانی و علمی برای بررسی عملکرد گفتمان ها از لحاظ سیاسی و اجتماعی در میدان رقابت های گفتمانی در جامعه در اختیار افراد قرار می دهد.

فصل دوم

ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

در پژوهش های گوناگون بررسی ادبیات تجربی برای محقق از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار است. در درجه اول ضرورت این کار از این جهت است که آنچه انجام می شود تکرار بیهوده پژوهش های دیگر محققان نباشد و هم چنین با بررسی کارهای انجام شده موقعیت ویژه و برتر آن نسبت به پژوهش های قبلی مشخص شود و شرایطی فراهم گردد تا جنبه های مغفول و جا مانده پژوهش های پیشین مورد بررسی قرار گیرد. از همین رو به جستجوی پژوهش ها و مقالات مرتبط با این پایان نامه پرداختیم و نتیجه این جستجو مطالبی است که در ادامه ارائه می گردد.

۲-۱-۱- پایان نامه:

۲-۱-۱-۱- چرخش معنایی مفهوم زنانگی در گفتمان انقلاب، سازندگی و اصلاحات (پاداشی، ۱۳۸۸)

در این پژوهش که برای پایان نامه کارشناسی ارشد ارائه شده است پاداشی تلاش کرده است تا با توجه به تحولات ساختار قدرت و تنازعات سیاسی در ایران بررسی کند مقوله زنانگی در سه دهه بعد انقلاب با چه تنوعی از معنا و چه تحولی در ساختار مفهومی مواجهه بوده است. گفتارهای سیاسی حمل کننده مفهوم زنانگی حول و حوش مفهوم برابری حقوق زن و مرد سامان یافته اند اما در این پژوهش با بحث در باب نسبت میان مفهوم زنانگی با ساختار قدرت سیاسی چندان این مضمون جدی گرفته نشده است و در صدد پاسخ گویی به این پرسش است که نسبت نابرابر میان زنان و مردان و نحوه بازتولید و استمرار آن به رغم تحولات یک سده اخیر چگونه رخ داده است. این پژوهش با تکیه بر تحلیل انتقادی گفتمان سعی کرده است که با برقراری نسبت میان مفهوم زنانگی و قدرت سیاسی، کارکردهای ضمنی آن در مناظرات قدرتی را جدی بینگارد. همچنین در پی آن است که با اتخاذ رویکرد انتقادی مقدمه ای برای استخراج سرمایه کلامی در باب مقوله زنانگی در ایران را فراهم کند.

پاداشی در کار خود از روش تحلیل گفتمان انتقادی برای بررسی مقوله زنانگی در سه دهه انقلاب استفاده می کند و از این جهت به این کار شباهت دارد اما بیش تر تکیه اش بر نظرات فمینیستی است و فقط برای تحلیل داده های پژوهش از روش تحلیل انتقادی گفتمان استفاده کرده است.

۲-۱-۱-۲- بررسی تطبیقی واکنش اسلام گرایان سیاسی فقاهتی و نواندیشان دینی نسبت به حقوق زنان در

ایران پس از انقلاب اسلامی (عظیمی، ۱۳۹۰)

هدف اصلی عظیمی در این پایان نامه بررسی واکنش اسلام گرایان سیاسی فقاهتی و نواندیشان دینی نسبت به مسئله حقوق زنان بعد از انقلاب اسلامی ایران است. به این منظور برای این کار روش توصیفی-تحلیلی را به کار برده است و جمع آوری داده ها به شیوه اسنادی است و ضمن مطالعه مبانی حقوق زنان و تاریخچه فمینیسم در فصولی جداگانه، ابتدا مبانی فکری و تلقی دینی دو جریان اسلام گرایان سیاسی فقاهتی و نواندیشان دینی را بررسی کرده و در نهایت مواضع دو جریان مذکور نسبت به مقوله حقوق زنان و مباحثی چون مشارکت سیاسی، خانواده، دیه، قضاوت، قصاص مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد دو جریان اسلام گرایان سیاسی فقاهتی و نواندیشان دینی نسبت به مقوله هایی اشتراک نظر و در مواردی اختلاف دارند و در این پژوهش مبنای بررسی این دو جریان نظریه های فمینیستی بوده و اگرچه از نظر موضوع به پژوهش مورد نظر نزدیک است اما مبنای کار نظریه های فمینیستی در نظر گرفته شده است و شیوه کار کاملاً متفاوت است.

۲-۱-۱-۳- تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن در انقلاب اسلامی (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۱)

سوال اصلی این پژوهش این است که چرا و چگونه ناکارآمدی دو گفتمان سنتی و مدرن در ارائه الگوی مناسب برای زن و پاسخگویی به نیازهای متناسب با اقتضائات اجتماعی- فرهنگی جامعه عامل استقبال زنان از آموزه های گفتمان انقلاب اسلامی شد. برای این کار نیکخواه قمصری از روش تحلیل گفتمان با تأکید بر نظرات لاکلاو و موفه استفاده کرده و در طی این پژوهش به این نتیجه دست یافته است که گفتمان سنتی با رویکردی غیرنقادانه و تعبدی از سوی تدوین کنندگان آن از نظر معرفت شناسی زن را در مقامی فروتر از مرد می بیند و به موازات دور شدن علما از حوزه قدرت سیاسی و تمایل به تحمیل آموزه های این گفتمان به مخاطبین و اتخاذ استراتژی تحریم آموزه ای مدرن، به مرور با ریزش مخاطبین خود مواجه شده است. گفتمان مدرن نیز با بسط نگرشی سنت ستیز و غرب گرا، با نهی و انکار شدید آموزه های سنتی آن را عامل عقب ماندگی جامعه معرفی نموده و راه ترقی زن را در به کارگیری الگوهای رفتاری غرب می داند. در مقابل، گفتمان انقلاب اسلامی با تکیه بر بازاندیشی دینی و نقادی سنت و غرب تلاش نمود تا با واسازی اندیشه های موجود در دو گفتمان سنتی و

مدرن مفصل بندی منسجم جدیدی از زن و جایگاه او در جامعه ارائه دهد که هم متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی و حقوق طبیعی انسانی باشد و هم پاسخگوی نیازهای عینی جامعه. آن تصویری را که گفتمان انقلاب اسلامی از زن ارائه می داد فقط با سرنگونی رژیم شاه محقق می شد، در نتیجه زنان را به عرصه مبارزات انقلابی کشاند.

کار نیکخواه قمصری از آن جهت که از روش تحلیل گفتمان برای بررسی تصویر ارائه شده از زن در گفتمان های غالب هر دوره استفاده کرده است، از لحاظ روش و موضوع با پژوهش حاضر قرابت دارد.

۲-۱-۱-۴- بررسی گفتمان های اسلامی درباره زن در ایران پس از انقلاب (هاشمی، ۱۳۸۱)

در این پژوهش هاشمی تلاش کرده است چگونگی شکل گیری گفتمان انقلاب اسلامی درباره زن و ویژگی هایش را بیان کند و سپس آن را به عنوان واقعیت سیاسی یا گفتار کلان معنا ساز ارزیابی کند. در واقع این پژوهش با هدف مطالعه روشمند الگوی گفتاری خلق شده درباره ی زن طی انقلاب و تحولات پس از آن از روش تحلیل انتقادی گفتمان استفاده کرده است و پژوهشگر سعی می کند تنها ناظر و توصیف کننده باشد و با توجه به رویکردی که اتخاذ کرده است دیدگاه آسیب شناختی ندارد.

این پژوهش از این حیث که برای مطالعه نحوه شکل گیری مفهوم زن و تحول آن به سراغ متون و آراء افراد شاخص هر گفتمان رفته و برای تحلیل متون از روش تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف استفاده کرده است، با پژوهش حاضر از لحاظ روش و معنا نزدیک است.

۲-۱-۱-۵- بررسی مقایسه ای گفتمان جنسیت در ایران از منظر نویسندگان قبل و پس از انقلاب (مطالعه

موردی: سیمین بهبانی و سیمین دانشور) (پایکاری، ۱۳۹۰)

پایکاری در این پژوهش ادعا می کند که بررسی پیامدهای جنسیتی انقلاب اسلامی از جمله عرصه های مغفول مانده در میان علایق پژوهشی جامعه شناسان انقلاب است و مطالعات موجود درباره ی مسائل زنان در ایران پس از انقلاب، بیانگر تعریف جنسیت به عنوان مقوله ای فمینیستی در چارچوب گفتمان های جنسیت است. به همین خاطر برای بررسی خود نظر نویسندگانی هم چون سیمین بهبانی و سیمین دانشور که مباحثی در رابطه با مسائل مربوط به مناسبات جنسیتی مطرح کرده اند، را مطرح نظر قرار داده است. نتایج به دست آمده در این

بررسی حاکی از آن است که گفتمان جنسیت در ایران قبل از انقلاب، معطوف به آرمان های اجتماعی بوده و این گفتمان در ایران بعد از انقلاب به سمت نوعی گفتمان فمینیستی گرایش پیدا کرده است. پژوهش پایکاری از حیث موضوع و روش بررسی و تحلیل داده ها به این پژوهش شباهت دارد.

۲-۱-۱-۶- توصیف برساخت زنانگی در شکل های زنان وابسته به جناح اصول گرا (خزائی، ۱۳۹۰)

هدف این پژوهش شناسایی و توصیف چگونگی برساخت زنانگی، توسط برخی از طیف های گفتمان اصول گرا است. در این کار خزائی با بکارگیری روش تبارشناسی فوکو تلاش می کند تاکتیک ها، ساز و کارها و تکنیک های گفتمانی ای که قدرت در برساخت زنانگی به کار گرفته است، شناسایی کند. نتایج این پژوهش نشان می دهد گفتمان اصول گرا زنان را در قالب دو دسته ابژه مطیع و سرکش به تصویر کشیده است. ابژه های مطیع به عنوان الگوی مطلوب ارائه شده است و تاکتیک های گفتمانی، فراهم کننده ساختارهای بازتولیدکننده امتیازات و تمایزات سنتی و قانونی ای هستند که زمینه ساز شرایط بقای سلطه ی مردانه است.

این کار از لحاظ روش تحلیل به پژوهش حاضر شباهت دارد اما از حیث موضوع ساز و کارهای گفتمانی گفتمان اصول گرا را بررسی کرده است و به نظر می رسد بر خلاف شیوه تحلیل گفتمانی که در پی آسیب شناسی و قضاوت ارزشی نیست، خزائی در کار خود با استفاده از این روش این کار را انجام داده است.

۲-۱-۲- مقاله:

۲-۱-۲-۱- بررسی گفتمان امام خمینی (ره) در مورد زنان (کدیور، ۱۳۸۷)

در این مقاله کدیور تلاش می کند دیدگاه های امام خمینی (س) در مورد زنان را در قالب دوره های گفتمانی متفاوت مورد بررسی و شناخت قرار دهد و نشان دهد چگونه اندیشه ی او به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی گفتمان های مطرح در جامعه ایران در دوره های مختلف با توجه به شرایط اجتماعی - سیاسی پدید آمده و متناسب با تحولات جامعه دیدگاه های خود درباره ی زنان را تغییر داده است. این مقاله که به بررسی گفتمان زنان از دیدگاه تولیدکنندگان گفتمان می پردازد و چگونگی و چرایی آن را بررسی می کند به موضوع این پژوهش شباهت دارد.

۲-۱-۲-۲- زنان و حکومت دینی در ایران: بررسی پیامدهای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد جایگاه

سیاسی- اجتماعی زنان در ایران (فوزی، ۱۳۸۷)

فوزی در کار خود نشان می دهد چگونه سه گفتمان سنتی، شبه مدرن و انقلاب اسلامی در موضع قدرت و در چاقوب مبانی نظری خود توانسته اند به تعریف جایگاه اجتماعی زنان در عرصه های مختلف اجتماعی بپردازند. هم چنین به طور مبسوط بررسی می کند چگونه گفتمان انقلاب اسلامی با نقد دو گفتمان دیگر رویکرد جدیدی در نوع نگاه زن در ایران مطرح می سازد و سپس پیامدهای اتخاذ این رویکرد در عرصه های اجتماعی- سیاسی را ارائه می کند. فوزی به عنوان نتیجه این بررسی نشان می دهد که گفتمان انقلاب اسلامی با تعاریفی که با توجه به متون تولیدکنندگان این گفتمان از زن ارائه می کند، زمینه مشارکت بیش تر و فعال تر زنان در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... را فراهم می کند ولی سیاست گذاری ها در اکثر بخش ها با توجه به مولفه های اصلی این گفتمان به گونه ای است که شرایط حضور بیش تر زنان در عرصه خانواده با توجه به فعالیت های دیگرشان در عرصه اجتماع مهیا شود.

۲-۱-۲-۳- فمینیسم در عرصه سیاست گفتمان (مشیرزاده، ۱۳۸۱)

فمینیست ها و فعالان در این عرصه از نخستین کسانی هستند که به ساخت زبانی واقعیت و نقش زبان در تحکیم روابط قدرت و سلطه توجه داشته اند. در این مقاله مشیرزاده در پی آن است تا تلاش جنبش فمینیسم در این عرصه را نشان دهد که چگونه سلطه و تفوق مردان و مردانگی را توسط سازوکارهای گفتمان مسلط در جامعه آشکار می کنند و سعی می کنند به عنوان یک گفتمان مسلط خود را در جوامع مختلف به خصوص غرب مطرح کنند.

۲-۱-۲-۴- ارزیابی ادبیات تجربی

به طور کلی در بین کارهای تجربی انجام شده با موارد کمی مواجه شدیم که در این زمینه خاص باشد. در مواردی که در این بخش آورده شد و مورد بررسی قرار گرفت هر کدام در جایگاه خود ارزشمند اما دارای نواقصی هستند که در پژوهش حاضر تلاش می شود این کبود ها جبران شود.

پژوهش های صورت گرفته در نگاه اول از لحاظ روش دارای نقص عدم کاربرد صحیح و کامل روش تحلیل گفتمان است. به طوری که در برخی از آن ها تلاش شده است با استفاده از نظریه ای دیگر جبران شود. به طور مثال در پایان نامه پاداشی نظریه فمینیستی مبنای کار قرار گرفته و برای تحلیل داده های جمع آوری شده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف استفاده شده است. نقص دیگر استفاده از چارچوب نظری گفتمان و به کار نبردن ادبیات گفتمانی در تحلیل ها و تفاسیر است. پایان نامه هاشمی علی رغم به کارگیری نظریه فرکلاف، کاملاً تاریخی بحث را پیش برده است. در اکثر قریب به اتفاق کارهایی که در زمینه گفتمان در موضوعی خاص ارائه می شود در واقعیت امر، گفتمانی نیست. به طور مثال مقاله کدیور دارای این نقص می باشد. به عبارت دیگر نظریه و تئوری فقط به عنوان چارچوب نظری بیان و در نهایت داده ها و یافته های پژوهش به صورت روایت تاریخی، گزارش، تحلیل متن، تحلیل محتوا و... ارائه می شود. از طرف دیگر از لحاظ نظری تعدادی از کارها به طور کامل موضوع زن را بر پایه ی نظریه های فمینیستی مورد بررسی قرار داده اند. پایان نامه عظیمی، پایکاری و مقاله مشیرزاده به این شیوه عمل کرده اند. از نظر موضوع نیز در اکثر پایان نامه ها و مقاله ها از نقش تولیدکنندگان متون در قدرت صحبتی به میان نیامده است بلکه فقط به توصیف کلی بسنده می کنند، بدون اینکه نشان دهند عمل هر کدام چه نقشی در قدرت دارد. به طور مثال پایان نامه عظیمی آراء اسلام گرایان اسلام فقهاتی و اسلام سیاسی را از این نظر بررسی می کند. پایان نامه نیکخواه نیز فقط گفتمان های موجود را از جهت تولید معنا و کشاکش آن ها در عرصه اجتماع توصیف می کند و به طور ویژه و خاص به تولیدکنندگان اشاره ای نمی شود. البته در میان پژوهش های مذکور جنبه های مثبتی دیده می شود که به طور مثال می توان به کار خزائی در زمینه گفتمان اصول گرایی و مقاله فوزی اشاره کرد. خزائی علی رغم قضاوت هایی که در پایان کار دارد، با به کارگیری روش گفتمانی فوکو، برساخته زنانگی را در روابط قدرت در جامعه ایران به خوبی به تصویر می کشد. فوزی نیز بر خلاف بقیه پژوهش ها به نقش تولیدکنندگان در گفتمان انقلاب اسلامی در مقایسه با گفتمان سنتی و شبه مدرن و چگونگی تقویت پایگاه گفتمان در حوزه زنان توجه کرده است اما به طور خاص آن را با گفتمان هایی که پیش از مطرح شدن گفتمان انقلاب اسلامی مطرح بوده است مقایسه می کند و چگونگی غلبه بر گفتمان های دیگر، در حوزه زن را نشان می دهد.